

گفت و شنود «مجلس و پژوهش» با دو تن از نمایندگان پیرامون بودجه ۷۴

■ بودجه ۷۴؛ چالشها کدامند؟

اشاره

بودجه ۹۶ هزار میلیارد ریالی سال ۷۴ در حالی تصویب شد که این سال با شروع برنامه پنجساله دوم توسعه همزمان است. بررسی کارشناسی و نقد هر «بودجه» می‌تواند نقاط قوت را روشنتر و آینه گام بعدی سازد. همچنین بحث درباره کاستی‌ها، نایدها و نشده‌ها ما را در یافتن راههای اصولی در جهت دستیابی به اهداف عالی و رفع ننگناها باری و هدایت می‌کند.

وجوه مثبتی مانند توجه به اشتغال، کمک به تأمین سوبسید کالاهای اساسی، مساعدت به آموزش و پرورش، اجرای بیمه همگانی، مسکن کارکنان دولت و... در این بودجه قابل اعتناست. اما کسری بودجه، حساب ذخیره تعهدات، روشن نشدن تکلیف طرحهای نیمه‌تمام، مشخص نبودن شیوه‌های اجرایی اخذ مالیاتهای پیش‌بینی شده، عدم کاهش حجم تشکیلات دستگاههای دولتی و... نیز از نقاط قابل تعمق این بودجه محسوب می‌شوند. بی‌تدرید بخشی از این کاستیها ریشه در فقدان یک نظام صحیح برنامه نویسی یا روند نادرست شکل‌گیری بودجه دارد.

برای تجزیه و تحلیل بودجه از نگاه مجلسیان، تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شرکت در یک جلسه گفت و شنود و بحث صریح دعوت شدند اما از میان جمع مدعو فقط دو تن از وکلای محترم برای مصاحبه حاضر شدند که خوشبختانه با دست پر آمدند.

آقایان مهندس سید کاظم میرولد نماینده مردم ملایر و محمد هاشم رهبری نماینده مردم تهران (دو تن از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه) در گفتگو با «مجلس و پژوهش» جنبه‌های گوناگون بودجه ۷۴ را برشمرده و نقاط قوت و چالشهای این بودجه را تشریح کردند. امید است این گفتگو که فصل ختام گزارش ویژه این شماره است، مورد بهره‌برداری مجلسیان محترم، پژوهشگران و دست‌اندرکاران واقع گردد.

□ مجلس و پژوهش : ضمن تشکر از حضور آقایان که دعوت مجله را قبول کردید. اولین سؤال ما نگاهی کلی از روبه‌رو به بودجه سال ۷۴ است جناب آقای میرولد! با توجه به اینکه جناب عالی از اعضای فعال کمیسیون برنامه و بودجه هستید و شاهد کوششهای ارزنده جناب عالی نیز بوده‌ایم، نخستین سؤال را این چنین مطرح می‌کنیم که اگر بخواهید یک تصویر کلی از بودجه ۷۴ بدهید آن، چگونه تصویری خواهد بود؟

آقای مهندس میرولد: مستحضرید چیزی که به عنوان تصویب نهایی در مجلس از تصویب نمایندگان گذشت هنوز جداول نهایی آن چاپ نشده با اینحال به طور کلی بودجه سال ۷۴ را ابتدا باید با توجه به برنامه دوم بررسی کنیم چرا که به نظر می‌آید با برنامه دوم که چند ماه قبل از آن به تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت (از نظر عدد و رقم و سقف بودجه) اختلافاتی دارد. البته دولت محترم استدلالهایی را به هنگام ارائه لایحه به مجلس عنوان کرد اما هر حال به نظر می‌آید که افزایش سقف بودجه به طور طبیعی، اثری بر نقدینگی کشور خواهد داشت و این اختلاف نظر بین ما (در کمیسیون) و برادرانی که از دولت شرکت می‌کردند وجود داشت. البته بحثهایی هم انجام شد اما نهایتاً حداقل بنده قانع نشدم که این تغییر ارقام، آثار افزایش نقدینگی ندارد. لذا به نظر می‌آید که از این نظر ما یک مشکلی را در قیاس با برنامه در سال ۷۴ خواهیم داشت.

از این نکته که بگذریم، بودجه کل کشور که به تصویب رسیده مبلغ ۹۶ هزار میلیارد ریال است که از این مبلغ حدود ۴۶ هزار میلیارد ریال آن بودجه عمومی و ۶۴ هزار میلیارد ریال هم بودجه شرکتهاست (البته بخشی از این بودجه شرکتها به بودجه عمومی بر می‌گردد). لازم به ذکر است که سه مسأله در بودجه ۷۴ مورد نظر کمیسیون برنامه و بودجه بود؛ یکی بحث کنترل رشد نقدینگی بود که ما این مسأله را از طریق محدود کردن سقف مالی تسهیلات بانکی محدود کردیم. همچنین مستحضر هستید که در دو سال گذشته دولت یک سر فصل برای «حساب ذخیره تعهدات» باز کرده با این استدلال که گشایشهایی که قبلاً انجام داده و ارز آن پایین تر از نرخ ۱۷۵ تومان بوده است اکنون که زمان سررسیدها شده دستگاه اجرایی، ندارد که با این نرخ پرداخت کند. از آنجا که درآمد بودجه سه بخش بوده که یک بخش آن درآمدهای ارزی بوده و بر پایه ۱۷۵ تومان ضرب و تقسیم کردیم فلذا ما از این طرف بایستی ۱۷۵ تومان را به خزانه بدهیم از طرف دیگر الان که موقع سررسید است باید مابه‌التفاوت آن را از دستگاه اجرایی دریافت کنیم و دستگاه اجرایی هم ندارد که بدهد (چون در بودجه عمومی پیش بینی نشده) لذا این حساب ذخیره ما دائماً منفی می‌شود. شاید این از علل جدی افزایش قیمت‌های اخیر باشد که نوعاً کمتر به آن توجه شده و یکی از عوامل اصلی رشد نقدینگی همین جا است.

در برنامه دوم هم ما این سقف (حساب

بتوانیم در بازار جهانی، تعهدات جدیدی را بپذیریم. و لذا همان محدودیتی که در برنامه دوم بود - یعنی سالی یک میلیارد و ۶۴۱ میلیون دلار کاهش سقف نهایی تعهدات خارجی - این را هم به عنوان یک مصوبه در بودجه ۷۴ (در تبصره ۲۹) به نحو محکمی آوردیم. می ماند این که دولت با توجه به مشکلاتش آن را چگونه خواهد توانست به نحو مطلوب اجرا کند.

نکته دیگر به درآمدهای ارزی سال ۷۴ مربوط می شود. پیش بینی ما برای درآمدهای ارزی بودجه سال ۷۴ کمتر از ۱۳ میلیارد دلار است. از آنجا که در تبصره ۲۹ معادل ریالی آن هم به ازای هر دلار ۱۷۵ تومان نوشته شد، پیش بینی کردیم که یک میلیارد و ۶۴۱ میلیون دلار کاهش تعهدات ارزی داشته باشیم. البته این رقم در برنامه یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بود که در بودجه سال ۷۴ به خاطر تأمین سوبسید کالاهای اساسی این را تغییر دادیم زیرا دولت این سوبسید را نادیده گرفته بود و به ناچار مجلس پذیرفت که آن را تغییر بدهد. بویژه از آن جهت که درآمدهای ارزی هم محدود است به هر حال در سال ۷۴ حدود ۱۲ میلیارد دلار درآمد نفتی ما خواهد بود و پیش بینی شده که ۴ میلیارد دلار نیز درآمدهای ناشی از صادرات غیر نفتی باشد که البته هنوز روشن نیست که از این ۴ میلیارد دلار چقدر آن به خزانه برگردد. استحضار دارید که در سال گذشته این

ذخیره تعهدات) را با استدلالهایی بستیم اما امسال در بودجه ۷۴ پس از بحثها دوباره مشخص شد آن تمهیداتی که ما برای محدود کردن (یعنی فریز کردن) این حساب اندیشیده بودیم کامل و جامع نبوده است و لذا باز درز پیدا کرده و کنتور آن دارد شماره منفی می اندازد.

ظاهراً این از تبعات پذیرش ارز شناور است البته آن موقع ما با این شرط، شناور شدن ارز را در بودجه پذیرفتیم که اصطلاحاً به عنوان تک نرخی بحث شد تا بتواند یک رقم عمده ای را وارد بازار کند و بازار، ثابت و کنترل شده باشد و دولت هم با این شرط به کمیسیون برنامه و بودجه در آن سال قول داد اما عملاً امکان این کار برایش فراهم نشد. با آن حجم، ارزی که می بایست به بازار تزریق می کرد موفق نشد و لذا در حقیقت اکنون هم ارز تک نرخی نداریم و آن هدفی را که تعقیب می کردیم از نظر بنده حاصل نشد. بنابراین بودجه ۷۴ در یک نگاه کلی به خاطر اختلاف ارقامی که در مصوبه بودجه با برنامه وجود دارد افزایش نقدینگی را بیش از آن مقداری که در برنامه پیش بینی کردیم خواهد داشت و به تبع آن آثار تورمی هم در پی خواهد داشت.

بحث دیگر در بودجه سال ۷۴ باز پرداخت سررسیدها بود که به نظر می آید عمده درآمدهای ارزی مان را بایستی با سررسیدها تأدیه کنیم و لذا هر گونه درآمد و یا خرج جدیدی منوط به این است که ما



مهندس کاظم میرولد نماینده
مردم ملایر و عضو کمیسیون
برنامه و بودجه:

* بودجه ۷۴ به خاطر اختلاف
ارقامی که در مصوبه با برنامه
دارد افزایش نقدینگی را بیشتر
از میزان پیش‌بینی شده در پی
خواهد داشت که به تبع آن آثار
تورمی به همراه می‌آورد.

* پیش‌بینی شده ۴ میلیارد
دلار درآمد صادرات غیرنفتی
باشد که معلوم نیست چه میزان
از آن به خزانه برمی‌گردد. کما
اینکه از ۴/۵ میلیارد دلار سال
پیش فقط حدود ۱/۵ میلیارد
دلار طبق اطلاعات رسمی به
کشور بازگشته است.

مشکل را داشتیم و هنوز هم جواب روشنی
نگرفتیم از حدود ۴/۵ میلیارد دلار صادرات
غیر نفتی آن چیزی که ما اطلاعات غیر
رسمی داریم حدود یک تا یک و نیم میلیارد
دلار آن به کشور برگشته است و بقیه‌اش را
ما گزارش رسمی دقیقی نداریم که به چه
شکلی وارد کشور شده است شاید به
تعبیری بتوانیم بگوییم این ارز ممکن است
از کشور خارج شده باشد.

حالا اگر فرض کنیم درآمد ارزی مان
همین ۱۲ میلیارد دلار است این درآمد بر
مأخذ قیمت‌های ثابت سال ۶۱ در حقیقت
حدود ۸ میلیارد دلار خواهد بود (در سال
۱۳۶۱ حدود ۲۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار
درآمد ارزی داشتیم) و لذا اگر خودمان را با
سال ۱۳۶۱ مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که
درآمدهای ارزی کشور چقدر محدود است.
البته ذکر این نکته در اینجا لازم است که
به طور طبیعی سررسیدهایی که در پیش رو
داریم باعث می‌شود که سال آینده دست ما
برای پرداخت‌های ارزی خیلی هم باز نباشد.
مگر همان تعهدات جدیدی که دولت اجازه
دارد که با رعایت همان محدودیت افزایش
سقف تعهدات، تعهدات جدیدی در
بخش‌های مختلف داشته باشد.

با اینحال مجلس در تبصره ۲۹ نکاتی را
آورد: یکی اینکه حدود ۴۲۰ میلیون دلار
برای مواد اولیه دارو و تأمین شیر خشک در
نظر گرفت و ۸۰ میلیون دلار هم برای ارز
دانشجویی تعیین شد و یک مورد هم مربوط
به کالاهای اساسی است که یک میلیارد و
۲۵۰ میلیون دلار برای گندم، قند و شکر،

و نفت و شرکتهای دولتی مشابه، هیچ تضمینی هم برای باز پرداخت تسهیلات دریافتی ندارند و لذا این از نظر بنده کسر بودجه است. هر چند که در حسابهای سرانگشتی خودمان باز فکر می‌کنیم حدود ۴۰ درصد بودجه با کسری مواجه خواهد بود.

البته دولت این نظر را رسماً قبول ندارد نظریه‌هایی که از دولت می‌رسد معتقد است که اگر ما تسهیلات بانکی به شرکت نفت و گاز و برق ندهیم باید آنها خودشان از منابع داخلی اقتصادی تأمین بکنند یعنی بروند به سمت قیمت تمام شده. در حقیقت نتیجه‌اش افزایش قیمت‌هاست.

بنابراین دولت می‌گوید به ناچار بایستی برویم سراغ تسهیلات. البته ما اینجا یک بحثهای برنامه‌ای داریم و متقابلاً می‌پرسیم که پس، بحث واگذاری به بخش غیر دولتی چه می‌شود؟

من خودم هنوز این سؤال برایم مطرح است که مگر نمی‌شود پالایشگاههای کوچک را به بخش غیر دولتی واگذار کرد یعنی هدف ما برای هدایت نقدینگی ۶ هزار میلیاردی در کجاست؟ آیا ما از این نقدینگی صرفاً به عنوان یک موضوع «خیلی بد» یاد می‌کنیم یا خود این عدم هدایت نقدینگی «چیز بدی» است؟ اگر همین نقدینگی حدود ۶ هزار میلیاردی را بتوانیم به سمت سرمایه‌گذاری تولیدی در کشور هدایت کنیم، کار موفقی است.

و الان چنین به نظر می‌رسد که با توجه

روغن نباتی، برنج و پنیر پیش‌بینی گردید. یعنی مجلس بر اساس برنامه دوم در بودجه ۷۴ این سه مورد را دقیقاً مشخص کرده است.

مجلس چهارم همچنین سقف تسهیلات بانکی را در تبصره ۲ بست. می‌دانیم که افزایش سقف تسهیلات بانکی اگر به شکل کنترل شده نباشد آثار افزایش نقدینگی زیادی در جامعه خواهد داشت. به این نحو تجارب تلخی در سالهای گذشته بوده اما حالا این که در عملکرد بودجه ۷۳ دولت آیا رعایت کرده یا نه، نکته‌ای است که من راجع به آن وقوف کامل ندارم.

البته دولت در این تبصره ۲ مقاومت زیادی داشت و معتقد بود که باید دستش برای تغییر باز باشد و مجلس معتقد بود از این رقم حدود ۵۵ درصد از افزایش سقف تسهیلات باید منحصرأً به بخش خصوصی داده بشود و ۴۵ درصد به بخش عمومی. مستحضر هستید یکی از عمده مشکلات ما طی سالهای گذشته این بود که عمده تسهیلات بانکی در حقیقت به شکلی به دستگاه دولتی برگشته و کمکی به بودجه سالانه کشور شده است. دلیل اینکه بخش خصوصی شاید نتوانسته به میزانی که مورد توقع مجلس و دولت بود وارد سرمایه‌گذاری بشود شاید همین نکته باشد، یعنی عمده تسهیلات بانکی را دستگاههای دولتی گرفتند.

بعضی از دستگاهها از قبیل وزارت نیرو



مهندس محمدهاشم رهبری
نماینده مردم تهران و عضو
کمیسیون برنامه و بودجه:

* یکی از اشکالات
بودجه‌نویسی این است که برای
هر بخش، مراکز تصمیم‌گیری
مختلفی وجود دارد و هر بخش
به جای آنکه کلان مملکت را
در نظر بگیرد، صرفاً خودش را
مسئول حل مشکلات بخش
خویش می‌داند.

* بعضی از دستگاهها یا
نمایندگان با گرایشات عمومی
عملاً کاری می‌کنند که تبصره‌ها
زیاد می‌شود یا تناقضهایی به
وجود می‌آید یا اینکه نظام
بودجه‌ای ما به اشکال
برمی‌خورد.

به شرایط جدید، میل به سرمایه‌گذاری
حتماً کاهش پیدا می‌کند.

از این بحثها که بگذریم یکی دیگر از
مشکلات که بودجه سال ۷۴ همچنان
لاینحل ماند بحث طرحهای نیمه‌تمام است.
ما تقریباً هیچ حرف تازه‌ای را نزدیم الا اینکه
در مجلس گفتیم هیچ طرح جدیدی را برای
سال آینده نمی‌پذیریم. یعنی مجلس در قبال
پیشنهادهایی که از طرف نمایندگان محترم
(که عمدتاً تحت تأثیر دستگاههای اجرایی)
ارائه می‌شد مقاومت کرد و طرحهای جدید
را نپذیرفت اما معتقدیم که برای طرحهای
نیمه‌تمام کشور به میزان کافی بودجه پیش
بینی نمی‌شود لذا طولانی شدن زمان اتمام
طرحها باز مشکلی است که در بودجه سال
۷۴ همچنان وجود دارد.

نکته دیگر در بودجه ۷۴ آنکه مجلس در
مورد درآمدهای مالیاتی در بودجه، رقم
بالایی را پیش‌بینی کرد. البته از نظر ثابت
درآمد مالیاتی به طور ناخالص در قیاس با
سال قبل، رقم حتی کمتری را نشان می‌دهد.
گفتنی است که سال ۷۳ برآوردمان این بود
که نسبت درآمد مالیاتی به طور ناخالص به
قیمت جاری حدود ۴/۷ درصد خواهد بود.
سال ۷۴ هم به نظر می‌آید که این رقم کمتر
خواهد شد. اما از نظر حجم ریالی حتماً
افزایش دارد و یک رقمی حدود ۷ هزار و
هشتصد میلیارد ریال می‌شود. برای سال ۷۳
رقم مصوب ۷ هزار و ۷۵۰ میلیون ریال بوده
است حالا اینکه ما چقدر بتوانیم این حجم
ریالی را از جامعه جمع‌آوری کنیم مسأله
دیگری است زیرا اخذ مالیات در کشور

است هماهنگی ندارند. دومین موضوع این است که تبصره‌هایی تکلیفی در برنامه دوم آمده است که چون میان آنها و جداول برنامه، هماهنگی وجود نداشته است انعکاس آنرا هم در بودجه سال ۷۴ می‌بینیم. اشاره می‌کنم به اینکه در تبصره برنامه آمده است که آموزش و پرورش کسری بودجه نداشته باشد یا ۶۶۰ هزار شغل به صورت خود اشتغالی و دیگر موارد در طول برنامه پنجساله به انجام برسد که چون برای آن بودجه تعیین نشده بود لذا ما هم در بودجه سال ۷۴ با مشکل مواجه بودیم.

آنچه که به عنوان نکات مثبت در باره بودجه سال ۷۴ می‌شود گفت این است که به اشتغال یک توجهی شد. چون که در بودجه سال ۷۴ یا در برنامه، پروژه‌های آنچنانی در بخشهای مختلف نفت، انرژی و نیرو و راه نخواهیم داشت. این برای اشتغال، نگرانی آور است و لذا دولت یک طرحهایی برای ایجاد اشتغال ارزان داشته که سرمایه بر نباشد و کارگر بر باشد. مثلاً در بند «ج» حدود ۸ هزار میلیارد ریال در نظر گرفته شد و این غیر از آن چیزی است که در تبصره ۳ دیده می‌شود (امسال دولت تبصره ۳ را از هزار میلیارد ریال به هزار و پانصد میلیارد ریال افزایش داده بود که همان در مجلس تصویب شد) و اصلاً خود این تبصره حالت اشتغال را دارد و در واقع براساس اصل ۱۴۳ قانون اساسی تهیه شده است و نیروهای کاری که فاقد سرمایه هستند از این امکانات

مواجه با مشکلات جدی ساختاری است. نکته آخر، توجه مجلس و دولت به مناطق محروم و دانشگاهها و آموزش و پرورش و امثالهم است که در بودجه ۷۴ به طور خاصی مورد عنایت بوده است. بودجه ۷۴ خوشبختانه اهرمهای بسیار ارزشمندی را تعبیه کرده که به آموزش و پرورش و آموزش عالی و اشتغال توجه می‌کند.

□ مجلس و پژوهش : تشریح

مبسوط آقای مهندس میرولد را در خصوص بودجه ۷۴ شنیدیم. اینک از جناب عالی می‌خواهیم که نگاهتان را به بودجه ۷۴ برای ما شرح بدهید. اگر قرار باشد در یک تصویر کلی، بودجه ۷۴ را تشریح کنید چه تبیینی را ارائه خواهید داد؟

مهندس محمد هاشم رهبری: همانطور

که استحضار دارید بودجه، آیینة برنامه یک ساله دولت است، با کاری که در سالهای قبل انجام شده بود این بحث مطرح شده است که ما دارای یک برنامه پنجساله باشیم و بر اساس آن برنامه پنجساله بودجه داشته باشیم.

در عین حال که فاصله بودجه سال ۷۴ و سال شروع برنامه دوم که آن هم سال ۷۴ است و زمان تصویب این دو با هم بسیار نزدیک بود ولی متأسفانه هم به دلیل مشکلاتی که در برنامه وجود داشت و هم به دلایل دیگری نه در مورد مالیاتها و نه در مورد کل درآمدها و نه در مورد کل هزینه‌ها ارقام ما با ارقامی که در برنامه دیده شده

می‌توانند استفاده کنند.

مطلب دیگری که در بودجه سال ۷۴ دیده شده منبعث است از قوانین قبلی که درباره مسائل کارمندان دولت داریم. در نظام هماهنگ هم آمده است که به نسبت تورم سالانه، حقوق کارمندان افزایش پیدا کند؛ اگرچه تورم سال گذشته بیش از این بوده و حتی طی دو سال پیش، افزایش حقوق به معنای اینکه پایه‌ها به صورت اصولی اصلاح بشود نداشتیم.

به این منظور در تصمیم امسال دولت ۸۰۰ میلیارد ریال که حدوداً ۲۰ درصد است حقوق کارمندان دولت و نیروهای مسلح افزایش پیدا خواهد کرد. اخیراً نیز دولت لایحه‌ای را داده است که قضات و کادر هیأت علمی دانشگاهها را هم شامل این افزایش بکند. علاوه بر این، هم در تبصره ۱۷ که مربوط به دانشگاههاست (اعتباری برای تعاونیهای مسکن و مصرف اعضای هیأت علمی دانشگاهها قرار داده شده است) و هم به صورت مجزا برای مسکن کارکنان دولت ۲۵ میلیارد ریال قرار داده شده است. به علاوه مبلغ مشخصی در تبصره ۵۰ قرار داده شده است که بانکها وام بدهند و به این ترتیب با الگوی مسکن که شورای عالی مسکن طراحی کرده است ظرف پنجسال آینده بتوانند ۵۰ هزار واحد مسکونی برای کارمندان دولت تهیه کنند. که در انتهای برنامه کل کارکنان دولت صاحب مسکن می‌شوند.

نکته دیگری که تطابق بین برنامه و بودجه سال ۷۴ را نشان می‌دهد این است که

سال گذشته برای سوبسید کالاهای اساسی ۸۰۰ میلیون دلار داشتیم و در برنامه دوم تصویب شد و در بودجه امسال هم یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار برای کالاهای اساسی اختصاص داده شد تا مانند سال ۷۲ این کالاها به دست مردم برسد.

البته اینجا دو مشکل داریم یکی افزایش جمعیت و دوم افزایش قیمت‌های جهانی کالاهایی است که وارد می‌کنیم نمی‌توانیم بگوییم حتماً سرانه‌ای را که در سال ۷۲ به افراد داده شده عیناً تکرار خواهد شد ولی حجم ریالی و ارزی که در اختیار مردم به صورت سوبسید قرار می‌گیرد ثابت خواهد بود.

در اینجا اشاره می‌کنم که دولت ۴۴۳ میلیارد ریال اضافه‌تر نسبت به ارقام سال اول برنامه گذاشته بود و مجلس برای هماهنگی بیشتر با اهدافش ۵۰۰ میلیارد ریال دیگر به آن افزود و مجموع آنچه که برای کالاهای اساسی قرار داده شد ۴۶۰۲ میلیارد ریال است.

مورد دیگر در رابطه با آموزش و پرورش است که در بند «ج» مبلغ ۴۳۰ میلیارد ریال قرار داده شد و مجلس تأیید کرد اما می‌دانیم که آموزش و پرورش دچار مشکل و کمبود بودجه است و بایستی به این امر مهم بپردازیم. سال گذشته هم آموزش و پرورش ۵۰۰ میلیارد ریال کمبود بودجه داشت. علاوه بر آموزش و پرورش، صدا و سیما و نیروهای مسلح جزو آن مواردی بودند که از کاهش مصون ماندند. در واقع به ده تا از دستگاهها گفتیم که بودجه

است. کاری که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان حج و اوقاف) در مورد تأسیس ده دانشکده علوم قرآنی را دنبال کرده بود و اساسنامه‌هایشان به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده بود با این کار می‌توان معلمین علوم قرآنی تربیت کرد و یک و نیم میلیارد ریال هم برای این مهم در نظر گرفته شده است.

همچنین به میزان ۶/۳ میلیارد ریال برای نگهداری راه‌ها و ۲/۷ میلیارد ریال برای نگهداری بنادر و یک میلیارد ریال هم برای هواشناسی اضافه شد.

با توجه به افزایش قیمت سوخت در برنامه آنجا که کمیسیون تلفیق پیشنهاد کرده بود ۳ درصد از درآمد حاصل از افزایش سوخت به حمل و نقل عمومی اختصاص یابد (و این در مجلس تصویب نشد). ۵۰ میلیارد ریال هم در بند «ج» برای تقویت شرکت‌های واحد اتوبوسرانی در نظر گرفته شد. خوشبختانه در کشورمان از یک ظرفیت بسالایی برای اتوبوس سازی برخوردار هستیم که متأسفانه در داخل کشور برای آن متقاضی کم است.

ما پنجمین ظرفیت اتوبوس سازی دنیا را داریم در عین حال با وجود این ظرفیت خالی در کشور و توانایی موجود که می‌تواند با استانداردهای خوبی در اختیار شهرداریها قرار بگیرد، متأسفانه اتوبوس از کشورهای خارج خریداری می‌شود.

هزینه سرانه تغذیه زندانیان،

جاریشان به نسبت ۵ درصد کاهش پیدا بکند ولی آموزش و پرورش، دانشگاهها، صدا و سیما، راه و مسکن را نه تنها کاهش ندادیم بلکه افزایش هم دادیم.

مورد دیگر بورسیه دانشگاههاست که مانند سال گذشته ۸۰ میلیون دلار تعیین شد و ۴۲۰ میلیون دلار برای دارو، شیر خشک و هیأت امناء، باقی ماند و امیدواریم که به این ترتیب امسال افزایش قیمت دارو و شیر خشک نداشته باشیم و آن افرادی که می‌خواستند از خدمات فوق تخصصی پزشکی داخل کشور استفاده کنند (مانند پیوند کلیه و پیوند قرنیه چشم و قلب) اینها در داخل انجام بشود و نیازی به خروج ارز و هزینه‌های بسیار هنگفت وجود نداشته باشد.

نکته دیگر این است که دولت برای همه مناطق محروم ۳۳۰ میلیارد ریال پیشنهاد کرده بود که این رقم در مجلس به ۳۸۰ میلیارد ریال افزایش یافت و در عین حال ۲۳ میلیارد ریال دیگر هم در بند «ج» برای مناطق محروم در زمینه‌های آبرسانی، برق، آموزش و پرورش و بهداشت گذاشته شده که از برنامه اول شروع شده بود، در واقع بودجه خاصی برای نقاط محروم در نظر گرفته شده که زودتر به آن سقف حداقل برسند.

ویژه اشتغال آزادگان هم در بند «ج» مبلغی قرار داده شده، نکته مهم دیگری که باید ذکر کنم در مورد ترویج علوم قرآنی

مهندس کاظم میروولد عضو
کمیسیون برنامه و بودجه:

* یکی از عمده مشکلات
سالهای گذشته، جذب اکثر
تسهیلات بانکی توسط
دستگاههای دولتی بود به همین
سبب بخش خصوصی نتوانست
طبق انتظار مجلس و دولت وارد
سرمایه گذاری شود.

* در برنامه به صراحت گفتیم
حجم اداری تشکیلات دولتی
باید کاهش یابد و بودجه،
حداقل به سمتی برود که بخش
غیردولتی را فعال کند.

* بنده معتقدم هیچ
وزارتخانه ای حاضر نیست که
حجم اداری خودش را کاهش
بدهد، دستگاه اجرایی،
بزرگ بودن حجم تشکیلات
خودش را یک امتیاز می داند تا
بتواند در کارهای اجرایی
خودش مانور بکند. این مشکل
به نظر من قبل از اینکه اقتصادی
باشد شاید یک مشکل فرهنگی
در ذهنیت دستگاه اجرایی است.

دانشجویان، دانش آموزان و سربازان هم
افزایش یافته است. جهتگیری مشخص
دیگری که انجام شد برای سازمان تعزیرات
حکومتی بود با توجه به اینکه پیش بینی
می شود واقعاً اگر به طور فعال برخورد
بکنند (با توجه به مشکلاتی که در نظام
توزیع کشور هست) اینها می توانند جریمه
نقدی کسب بکنند، لازم بود که خودشان از
یک روش بودجه ای مشخص برخوردار
باشوند تا بتوانند با دلگرمی به کارشان ادامه
بدهند و گذاشتن این ودیعه در قانون بودجه
نشانگر این است که مجلس به این مسأله
عنایت خاصی دارد که از اجحاف و
گرانفروشی بایک سازماندهی مشخص و
یک تصمیم راسخ جلوگیری بکند.

□ مجلس و پژوهش : برنامه،
یک نگاه آرمانی به آینده دارد و
می خواهد مملکت را در آن جهت
پیش ببرد. تجربه نشان می دهد که
معمولاً ما تحت الزامات بودجه ای،
آن قالبها را ترک می کنیم. جناب آقای
میروولد شما در این خصوص چگونه
می اندیشید؟

آقای مهندس میروولد: حداقل توقع مان
این بود که بودجه ۷۴ با تمام این بحثهای
برنامه ای که طی دو سه ماه در مجلس داشتیم
مطابقت داشته باشد. حالا اگر فی المثل سال
چهارم اجرای برنامه ما با یک تدابیر و
استدلالتها و شرایط ویژه ای که ممکن است
پیش رویمان باشد یک اصلاحاتی را در
برنامه بکنیم این قابل قبول و حرفی منطقی
است اما ما برای سال اول هیچ دلیل
قانع کننده ای پیدا نکردیم که عدول کنیم

بهداشت، درمان و نظام پزشکی کشور و سازمانهای بیمه‌ای عملاً وجود نداشت تبصره‌ای در بودجه گذاشته شد که به وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی اجازه می‌داد هر گونه تغییری را که می‌خواهد انجام بدهد. به نظر من این کار درستی نیست که چنین اختیاراتی را به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدهیم. این به مراتب بالاتر از آن چیزی است که در اختیار رئیس جمهور است (می‌دانید که در اختیار رئیس جمهور در حال حاضر حدود ۱۰ میلیارد تومان است) در صورتی که این بودجه که در اختیار وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته حدود ۴۰۰ میلیارد تومان است و رقم بسیار بالایی است، من این را نمی‌پذیرم. به علاوه این که واقعاً مشخص نیست وضعیت بیمه و درمان مردم در سال ۷۴ به چه صورتی خواهد بود. آنچه که من اطلاع دارم بیمارستانهای دولتی تا مبلغی را به عنوان ورودی یا ودیعه دریافت نکنند بیمار را نمی‌پذیرند از طرف دیگر قرار است بیمه پنجساله اجرا بشود (تعداد زیادی از مردم هم بیمه نیستند و این نظام را نمی‌شناسند و هنوز اعتماد ندارند)، شما تجربه گذشته را پیش‌رو دارید و می‌بینید دفترچه‌هایی که دست کارمندان بوده عملاً کارایی نداشته است و هنوز آن اقبال به بیمه وجود ندارد، اصلاً نمی‌دانم چگونه بیمارستانها اداره می‌شوند از یک طرف از مجلس بودجه می‌گیرند و از طرف

(گرچه دولت استدلال می‌کند که عدول نکرده است) اما کارشناسانه‌تر که در کمیسیون بحث شد معلوم شد که از برنامه عدول داشته‌ایم. مثلاً مانده بدهیهای خارجیمان را به ناچار دست زدیم. قرار بود که یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار کاهش داشته باشیم که تبدیل به یک میلیارد و ششصد و چهل میلیون دلار شد.

□ مجلس و پژوهش: آقای

مهندس رهبری! جناب عالی

تصویری از بودجه ۷۴ دادید. اما

انتقاداتتان را در مورد بودجه ۷۴

مطرح نکردید ...

مهندس رهبری: این بودجه، کسری دارد و نتوانسته بودجه آموزش و پرورش را تأمین بکند. از طرف دیگر ما قانون بیمه همگانی را تصویب کردیم و می‌خواهیم که براساس قانون برنامه پنجساله دوم این را در کشور پیاده بکنیم. آنچه که برنامه و بودجه انجام داد و شیوه‌ای که ما در آیین‌نامه داریم و فرصتی که بود امکان بررسی جدی نداشتیم. مثلاً همه ردیفهایی را که برای دانشگاههای علوم پزشکی سراسر کشور در سالهای قبل وجود داشت - با توجه به اینکه اکنون مسؤولیت استانها را هم دارند (در حال حاضر در استانها، ما دیگر مدیر عامل شبکه سازمان بهداشتی نداریم) - هیچ ردیف بودجه‌ای برای اینها وجود نداشت و سیستم بودجه امسال براساس اجرای بیمه درمانی تنظیم شده بود.

با توجه به اینکه آمادگی لازم در وزارت

مهندس محمدهاشم رهبری
عضو کمیسیون برنامه و
بودجه:

* یکی از عوامل گرانی این
است که هر دستگاهی برای
کسب بودجه اختصاصی، تلاش
می‌کند خدمات خود را گران‌کند.

* عدم وجود آئین‌نامه‌ای
برای رسیدگی علمی و صحیح
بودجه، فقدان یک تشکیلات
مستقل در مجلس برای تنظیم
محاسبات و مشخص نبودن
تئوری حاکم بر نظام بودجه‌ریزی
از مشکلات اساسی است.

* دو مشکل داریم یکی
افزایش جمعیت و دوم افزایش
قیمت‌های جهانی کالاهایی که
وارد می‌کنیم نمی‌توانیم بگوییم
حتماً سرانه‌ای را که در سال ۷۲
به افراد داده شده عیناً تکرار
خواهد شد ولی حجم ریالی و
ارزی که در اختیار مردم به
صورت سوبسید قرار می‌گیرد
ثابت خواهد بود.

دیگر مردم وضعیت بهتری را از نظر درمائی
نسبت به گذشته ندارند من احساس می‌کنم
که از این نظر با مشکل جدی مواجه خواهیم
بود.

مورد بعدی بحث شرکتهای دولتی
است. این را باید اذعان کنیم که رسیدگی
همه جانبه و لازم در کمیسیون برنامه و
بودجه و کمیسیونهای مشترک نسبت به
بودجه شرکتهای دولتی انجام نشد. یک
حداقلی از دید کمیسیون گذشت در صورتی
که باید این مسأله عمیق‌تر مورد رسیدگی
قرار می‌گرفت به گونه‌ای که گردش کار اینها
بسیار سریع انجام بشود و بهره‌وری در این
شرکتها افزایش پیدا کند و هزینه‌های آنها
کاهش یابد و در عین حال با توجه به
تخصصها، ترکیب نیروها و نوع تولیدی که
دارند، در عین حال عدالت روی نظام
پرداختهای آنها انجام بشود. متأسفانه با
بررسیهایی که انجام دادم احساس می‌کنم که
در نظام پرداختها بین آنها که مشمول قانون
استخدام کشوری هستند و آن شرکتهایی که
خارج از این مجموعه هستند عدالت وجود
ندارد و بودجه هم در این جهت تلاشی
نکرده است. در حالی که می‌شد با کمک
تبصره‌های مختلف به این سمت بیشتر
حرکت بکند.

□ مجلس و پژوهش : تحلیل
ساختار درآمدهای دولت در نیم قرن
اخیر روشن می‌کند که درآمدهای
نفتی حدود ۸۰ درصد درآمدهای ما
را می‌پوشاند. این رقم در سال ۷۴ به
حدود ۵۰ درصد می‌رسد. به عبارت
دیگر بخش اعظم درآمدهای کشور که

دولت کاهش پیدا کرد بالاخره ما به سهم خودمان برسیم و لذا عمده برآوردهای دستگاه اجرایی از سطح شهرستانها و استانها تا به وزارتخانه‌ها می‌آید یک برآورد بسیار غیرمعقولی است. هیچکس فکر نمی‌کند که این اموال متعلق به مردم و بیت‌العمال است و او باید به حداقل ممکن راضی باشد.

اینها نهایتاً به ستادهای بودجه‌ای می‌آید. هر چقدر هم کارشناسان بودجه‌ای قوی باشند با توجه به محدودیتهای زمانی که برای بررسی دارند و آن عوامل جنبی که متأسفانه وجود دارد (فشارهایی که از طرف نمایندگان مجلس، دستگاههای اجرایی، خدای نکرده همشهری‌گرایی و رفاقت) این بودجه‌ها حقیقی نیستند.

بودجه‌هایی که در ستادهای بودجه نوشته می‌شود (و من طی این هشت سال در مجلس مشاهده کرده‌ام) بودجه‌های غیرواقعی است و قطعاً هم نامناسب است. اینها حتی در دولت هم بحث نمی‌شود بلکه به طور کلی تبصره‌ها مطرح و تصویب می‌شود به طوری که در کمیسیون بارها شاهد بودیم مثلاً وزیر محترمی آمد و خودش هم نمی‌دانست در این پیوست، بودجه‌اش چقدر است! یعنی اصلاً مطلع نیست از بودجه‌ای که خودش به عنوان دولت به ما داده است. این یک مشکل جدی است البته خودشان می‌گویند که فقط تبصره‌ها را در دولت می‌بینند.

در اختیار دولت قرار می‌گیرد به نحوی در جهت فراهم آوردن ابزاری برای تأمین نیازهای بودجه‌ای بخش عمومی است جناب آقای میروولد جناب عالی فکر نمی‌کنید این امر بر کلیات اقتصاد کشور تأثیر منفی می‌گذارد؟ این در واقع حاصل تقسیم نیازهای مالی دولت در مقدار ارز حاصله است. یعنی دولت یک مقداری نیاز مالی دارد این را از محل درآمدهای مالیاتی به دست می‌آورد. یک مقدار هم ارز دارد. قاعدتاً تقسیم اینهاست که نرخ ارز را تعیین می‌کند. شما در یک حرکت رفت و برگشت اثر این رویه را که به طور سنتی در بودجه ما عمل شده چگونه می‌بینید؟

آقای مهندس میروولد: این نکته را در یکی از تحلیلهای مرکز پژوهشها هم دیدم. به نظر بنده کلاً ساختار بودجه‌نویسی ما یک اشکالات جدی دارد که هیچ موقع هم درصدد رفع مشکلات جدی آن برنیامده‌ایم و این همینطور ادامه دارد. ببینیم لایحه بودجه چگونه تصویب می‌شود و به مجلس می‌آید. بخشنامه بودجه توسط ریاست جمهوری به دستگاه اجرایی ابلاغ می‌شود که معمولاً پیش‌نویس این بخشنامه را سازمان برنامه تهیه می‌کند. خودش هم ناظر بر اجرای این بخشنامه می‌شود. در دستگاههای اجرایی یک فرهنگی وجود دارد که معتقدند هر چقدر هم می‌توانیم اضافه بنویسیم تا اگر در ستادهای بودجه‌ای

در مجلس هم نظام بررسی ما اشکال دارد. دستگاههای اجرایی حرفهایی را که در دولت نتوانستند به اثبات برسانند به کمیسیونها می آورند. کمیسیونهای تخصصی مجلس هم با محدودیت که دارند و پراکندگی تخصصی که در بین نمایندگان محترم هست (ضمن آنکه آنان ممکن است تحت تأثیر دستگاههای اجرایی قرار بگیرند یا به طور کلی نسبت به دستگاههای تخصصی خودشان متعصب می شوند فی المثل کمیسیون نیرو و احساس وظیفه می کند که از آب و برق و مخابرات کشور باید دفاع کند و نوعاً روی اعتمادی که به دستگاه اجرایی دارند حرفهایی که دستگاه اجرایی می زند تقریباً همه را قبول دارند) ضمن اینکه بسیاری از پیشنهادهای رسیده از طرف نمایندگان مردم هم به کمیسیون برنامه و بودجه ارجاع می شود. یک مرتبه ما می بینیم حجم بودجه در قیاس با درآمدهای کشور، تولید ناخالص کشور و درآمدهای ارزی یک حجم کاملاً غیر معقول است! بنابراین بودجه ای که ما می نویسیم متناسب با واقعیتها نیست و وقتی که تصویب و به دستگاههای اجرایی ابلاغ شد همه این را حق خودشان می دانند. بعضی مواقع در بین توده های مردم مسائلی مطرح است که حرفهای فنی ویژه ای هم نیست مثلاً مردم می گویند که بخشی از افزایش قیمت ارز برای جبران کمبودهای ریالی دولت است و شاید هم دولت به ناچار این کار را انجام می دهد. اما از آن طرف حساب ذخیره، منفی می شود و مجبور است که متوسل به

تسهیلات بانکی، قرض از بانک مرکزی یا نهایتاً چاپ اسکناس بشود. من با این تحلیلی که فرمودید هم عقیده هستم و ریشه اش را سیر نادرست تصویب بودجه از دولت تا مجلس می دانم که این را مرکز پژوهشها ظرف این مدت کوتاه فعالیت خود، کارهایی ارزشمندی انجام داده می تواند به عنوان یک پروژه انتخاب کند که حداقل ما یک شیوه منطقی تهیه کنیم و مسیر تصویب بودجه را برای دولت بر یک مبنای علمی بر قرار کنیم.

□ مجلس و پژوهش: صحبت

از قرار دادن تبصره های در بودجه بود. ما وقتی بودجه را نگاه می کنیم تبصره های متفاوتی را می بینیم. در همین بودجه سال ۷۴ حدود ۶۰ تبصره و ۱۹۰ حکم قانونی و ۳۷ آیین نامه اجرایی وجود دارد. این تبصره ها ممکن است در جاهایی تضاد ایجاد کنند و مقابل هم قرار بگیرند یا جاهایی مشابه هم باشند این پدیده را چگونه می بینید؟ جناب آقای رهبری! آیا این پدیده را ناشی از ضعف برنامه نویسان می دانید، کسانی که برنامه بودجه را می نویسند مشکلی دارند؟

آقای مهندس رهبری: بودجه نویسی یک سیری دارد. همان طور که گفته شد در مرداد ماه هر سال دستورالعمل تنظیم بودجه توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه می شود و بعد به تصویب هیأت وزیران می رسد و حدود شهریور ماه توسط رئیس جمهور به دستگاههای اجرایی ابلاغ می شود و

طرف در آن لایحه و از طرف دیگر هم در بودجه‌ها می‌نویسند برای اینکه خودشان را خودکفا بکنند.

حالا به بخشهای دیگر مملکت چقدر فشار می‌آید دیگر به آن نمی‌پردازم. یکی از ضررهایی که من احساس می‌کنم و اشکالهایی که در دولت و مجلس وجود دارد این است که اولاً برای هر بخش، مراکز تصمیم‌گیری مختلفی وجود دارد. در ثانی هر بخش به جای اینکه به مسؤلیت جنبی و کلی فکر کند و کلان مملکت را مدنظر بگیرد صرفاً خودش را مسؤل بخش خویش می‌داند و به طور مستقل مسایل آنرا حل می‌کند. در اینجا است که تبصره‌ها اضافه می‌شود و دستگاههای مختلف تبصره‌هایی را اگر توانستند در دولت تصویب کنند و اگر نه از طریق کمیسیونهای مربوط خودشان به بودجه اضافه می‌کنند.

تا سال ۶۳ به طوری که یادم هست تبصره‌های دائمی داشتیم. الآن بعضی از دستگاهها که می‌خواهند قانون بگذرانند اگر از طریق عادی بخواهند مراحلش را طی بکنند و به کمیسیون مربوط و بعد هیأت دولت و دوشوری شدن و غیره و غیره بروند طول می‌کشد به صورت میانبر وارد بودجه یک شوری مجلس کرده و آن را به تبصره‌های دائمی می‌برند و تبدیل به قانون می‌کنند. اگرچه از سال ۶۴ شورای نگهبان با این امر مخالفت کرد و جلوی آن به صورت دائمی گرفته شد ولی به صورت سالانه

براساس آن بودجه تنظیم و با سازمان برنامه و بودجه تفاهماتی به عمل می‌آید و بعداً به هیأت دولت می‌رسد و تصویب می‌شود.

اما این اشکالات که اشاره فرمودید از کجا ناشی می‌شود؟ یکی از موارد این است که در دولت ردیفها و بودجه‌های هر دستگاه به تفکیک و با تأمل مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد، همان طور که در مجلس هم قرار نمی‌گیرد. تاربخچه بررسی بودجه در مجلس وجود دارد. شما ملاحظه بفرمایید اصلاً هیچ وقت به ردیفها نرسیده‌ایم. بنابراین تمام دستگاهها، کمیسیونها و افراد تلاش می‌کنند خواسته‌ها و نیازهای خودشان را از طریق تبصره‌ها اعمال بکنند! حالا چه آن تبصره‌ای که شما اشاره کردید و چه آن تبصره وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (که این کاملاً بودجه‌ای بوده و متأسفانه به صورت قانون دائم درآمده و مرحله آزمایشی آن هم پنجساله بوده در واقع سعی می‌کنند که آن حرکت را در آنجاها انجام بدهند. در آن قانون و لایحه همه سعی دستگاهها برای این است که از زیر بلیت یک نظارت عمومی و کلی و حتی از زیر بلیت خزانه و بقیه برنامه بیرون بیایند و از زیر فشار کمبودهای مالی که در کل کشور وجود دارد خارج بشوند. متأسفانه نگرش بخشی از یک طرف و نگرش سوددهی به جای خدمت رسانی از طرف دیگر بر آنها حاکم شده است) مرتباً تبصره‌هایی را از یک

مهندس کاظم میروولد نماینده
مردم ملایر:

* مرکز پژوهشها که طی این مدت کوتاه فعالیت خود، کارهای ارزشمندی انجام داده است می تواند سیر تهیه، تدوین و تصویب بودجه را به عنوان یک پروژه تحقیقاتی به انجام برساند و بی تردید در این جهت کمک بزرگی برای مجلس خواهد بود.

* با این شرط، شناور شدن ارز را در بودجه پذیرفتم که اصطلاحاً به عنوان تک نرخی بحث شد تا بتواند یک رقم عمده‌ای را وارد بازار کند و بازار، ثابت و کنترل شده باشد و دولت هم با این شرط به کمیسیون برنامه و بودجه در آن سال قول داد اما عملاً امکان این کار برایش فراهم نشد. با آن حجم، ارزی که می بایست به بازار تزریق می کرد موفق نشد و لذا در حقیقت اکنون هم ارز تک نرخی نداریم.

همچنان وجود دارد. من به یک تبصره‌ای که امسال تصویب شد اشاره می کنم که به وزارت مسکن مربوط می شود و عملاً برای پنجسال آینده کشور تعیین تکلیف کرده است و متأسفانه شورای نگهبان علی رغم اینکه در بقیه موارد گفته است که بودجه طبق اصل ۵۳، سالانه است به این بحث نپرداخته است. در صورتی که اگر قرار بود وزارت مسکن سیر قانونی آن را طی بکند یکسال و اندی زمان لازم داشت. اما برای کوتاه کردن زمان از این روش استفاده کرده است یعنی بدون اینکه به هیأت دولت برود به مجلس آمده و خیلی سریع معایب و محاسن آن بحث و بررسی و تصویب می شود. چون مکانیزم بودجه به گونه‌ای است که می تواند در واقع این غور و بررسی را کم بکند. لذا همه دستگاهها علاقه مند هستند که از این طریق فوریتی را برای اعمال خودشان به دست بیاورند این است که عملاً تبصره‌ها زیاد می شود.

مورد بعدی این است که مکانیزم آیین نامه‌ای ما این مشکل را دارد. به این ترتیب که کمیسیون برنامه و بودجه را موظف می کند با تک تک کمیسیونها نشست مشترک داشته باشد. نتیجه این کار، هم باعث افزایش و هم موجب تناقض در این تبصره‌ها می شود. به علاوه اینکه برای آن اصل قبلی (که گفتم دستگاهها دنبال خودکفایی خودشان هستند) همه این کمیسیونها پیشنهادهایی را در شور اول می آورند که درآمدی باشد و از دستگاههای خودشان باشد و این آیین نامه به گونه‌ای

کشاورزی. وقتی که نه دولت و نه مجلس هیچکدام ردیف خاصی برای این تضمینات نمی‌گذارند، چگونه ممکن است اجرا بشود؟ نتیجه‌اش این است که قیمت‌های تضمینی را دولت آنقدر پایین می‌گذارد که هیچ وقت به اجرا نخواهد رسید. چون ردیف هزینه‌ای بودجه برای این کار در جایی دیگر دیده نشده است.

این تناقضات است که گریز از قانون را به وجود می‌آورد. بعضی از دیدگاه‌های حقوقی هم بر این کار مؤثر است.

بعضیها براساس تعریفی که از تبصره‌های بودجه دارند معتقدند روشهای تأمین مالی، اجرای مالی قوانین موجود را فراهم می‌کند، بعضیها هم آن را یک قانون می‌دانند که می‌تواند در سال مورد نظر قوانین دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. عده‌ای هم تقدم و تأخر قوانین را مطرح می‌کنند، می‌گویند اگر در طول سال ۷۴ قانونی را گذرانندیم، آن قانون، بودجه را عملاً لغو می‌کند. چون با یک قانون مؤخری قانون مقدمی را باید کنار گذاشت. دیدگاه حقوقی دیگری می‌گوید درست است که این قانون هم دائمی نیست و در سال ۷۴ تصویب شده است ولی در سال ۷۴ بودجه حاکم است. همه اینها باعث می‌شود که تناقض داشته باشیم و تبصره‌های زیادی داشته باشیم، گریز داشته باشیم و بعضی از جاها سکوت، خلأ و نهایتاً ابهام داشته باشیم که قانونگذار کدام یک از اینها را مدنظر داشته است.

است که اینها را به سمت آن اشکال سوق می‌دهد یعنی داشتن بودجه اختصاصی که خلاف قانون محاسبات عمومی است. بنابراین هر دستگامی تلاش می‌کند که خدمات خودش را گران کند.

از دید من این یکی از عوامل گرانی خدمات دولتی ریشه‌اش در این آیین‌نامه خوابیده است. این به معنای آن نیست که برنامه‌ریزان کشور اعم از مجلس و دولت از نظر شیوه و تفکر برنامه‌ریزی بدون عیب و نقص هستند می‌خواهم بگویم اگر آنها هم کار خودشان را کامل انجام بدهند، پروسه و روند این کار به گونه‌ای است که یک اختلالاتی به وجود می‌آورد. یا هر کسی با دیدگاه خودش تغییراتی را در آن می‌دهد و آنچه حاصل می‌شود ممکن است انسجام نداشته باشد.

مثلاً در تبصره ۵ گفتیم که گوشت هم جزو آن اقلامی باشد که سوبسید به آن بدهند اما وقتی که خواستیم بودجه بگذاریم در تبصره ۲۲ برنامه گوشت را حذف کردیم یعنی خود ما کردیم و دولت پیشنهادهای مختلفی را آورده، من قبول دارم وزارتخانه‌های مختلف این تقاضاهای گوناگون را داشتند ولی بالاخره ما که تصویب کردیم این اشکال را دارد الان در بودجه سال ۷۴ هم همین مشکل به آن بحث مغایرت با برنامه اضافه می‌شود.

ما یک قانون دیگری داریم برای اجرای مثلاً قیمت‌های تضمین محصولات دامی و

مهندس محمدهاشم رهبری
نماینده مردم تهران:

* با توجه به اینکه آمادگی لازم در وزارت بهداشت و درمان و نظام پزشکی کشور و سازمانهای بیمه‌ای عملاً وجود نداشت تبصره‌ای در بودجه گذاشته شد که به وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی اجازه می‌داد هر گونه تغییری را که می‌خواهد انجام بدهد. به نظر من این کار درستی نیست که چنین اختیاراتی را به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدهیم. این به مراتب بالاتر از آن چیزی است که در اختیار رئیس جمهور است (می‌دانید که در اختیار رئیس جمهور در حال حاضر حدود ۱۰ میلیارد تومان است) در صورتی که این بودجه که در اختیار وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته حدود ۴۰۰ میلیارد تومان است و رقم بسیار بالایی است، من این را نمی‌پذیرم.

□ مجلس و پژوهش: شما به مشکلاتی که در روند تدوین بودجه وجود دارد اشاره کردید و در این سوی سگه هم به مشکلاتی که در روند تصویب آن در مجلس مطرح هست. البته در مورد مکانیسم تصویب بودجه، پیشنهادهایی مطرح بود که ظاهراً آنگونه که باید اقبال نشد. به هر حال شما مشکلات را در این روی قضیه چگونه می‌بینید؟

مهندس رهبری: من معتقدم آیین‌نامه موجود که بر اساس آن به بودجه رسیدگی می‌کنیم امکان رسیدگی صحیح به بودجه را با یک اصول علمی فراهم نمی‌کند.

مورد دوم اینکه بودجه‌هایی که ما تنظیم می‌کنیم متأسفانه به دلیل اینکه مستقلاً خود مجلس دارای تشکیلاتی برای این کار نیست در بعضی موارد با تناقضاتی مواجه است و مجری را با مشکلات روبرو می‌کند. مورد سوم این است که بودجه یک تلفیق است هم بودجه‌ای بر مبنای صفر است هم بودجه‌ای است برنامه‌ای و هم عملیاتی. در نهایت هیچکدام از اینها هم نیست یعنی یک تئوری مشخصی بر نظام بودجه‌ریزی ما حاکم نیست.

من این را به دلیل وضعیت خود مجلس و چگونگی شکل‌گیری مجلس و نظام سیاسی مملکت می‌بینیم. یعنی اینکه یک چیزهایی زیربنایی‌تر از بحث نظام برنامه‌ای است. یعنی اگر شما این را هم اصلاح نکنید مجدداً وقتی که دولت و مجلس وارد این بحث‌هایی که دارد بشود حتماً همین مشکلات را درست می‌کنند. یک نفر دیگر با

دولت، چگونه می بینید؟

آقای مهندس میروولد: در حقیقت بنده هم با شما هم عقیده هستم علی‌رغم اینکه در برنامه‌های اول و دوم پیش‌بینی‌هایی کردیم در عمل با ارقام ریالی که به دستگاه‌های دولتی می‌دهیم به این سمت نتوانستیم پیش برویم. حالا اینکه دولت در مرحله اجرا چه مشکلاتی را برای کاهش حجم تشکیلاتی خودش دارد ما نمی‌دانیم اما یک بحث‌های کیفی می‌توانیم بکنیم. بنده معتقدم این باور در مجموعه دستگاه اجرایی کشور وجود ندارد، یعنی هیچ وزارتخانه‌ای حاضر نیست که حجم اداری خودش را کاهش بدهد به هر دلیلی که خودشان دارند دلالی که ما حدس می‌زنیم این است که دستگاه اجرایی، بزرگ بودن حجم تشکیلاتش را یک امتیاز می‌داند تا بتواند در کارهای اجرایی خودش مانور بکند. لذا این مشکل به نظر من قبل از اینکه اقتصادی باشد شاید یک مشکل فرهنگی در ذهنیت دستگاه اجرایی است.

خود ما هم در مجلس در مرحله عمل با توجه به پیشنهادهایی که در صحن علنی یا در کمیسیونها ارائه می‌کنیم معمولاً این جهتگیری را فراموش می‌کنیم. یعنی این اشکال به خود ما هم برمی‌گردد. گرچه ما در برنامه به صراحت گفتیم بایستی این حجم کاهش پیدا بکند و حداقل، بودجه کشور به سمتی برود که بخش غیردولتی را فعال کند.

□ مجلس و پژوهش: جناب

آقای رهبری! توضیحات آقای

دیدگاه‌های دیگری می‌آید یک دفعه یک چیزی که عملیاتی است وارد می‌کند در صورتی که ممکن است نظام بودجه‌ای شما بر اساس برنامه باشد.

یک قانون بودجه خوب، مبنای دیگری هم دارد و آن داشتن اطلاعات دقیق راجع به مسائل کشور است که متأسفانه این اطلاعات دقیق و پردازش شده و هماهنگ وجود ندارد. مثلاً در مورد نرخ رشد جمعیت، مرکز آمار ایران یک چیز می‌گوید، وزارت مسکن صحبت دیگری می‌کند، وزارت بهداشت ارقام دیگری را ارائه می‌دهد و سازمان ثبت احوال چیز دیگری را می‌دهد! نظام بودجه‌ریزی باید بر اساس یک نظام برنامه پنج‌ساله و چند ساله مبتنی باشد و آنهم بر اساس یک نظام آماری هماهنگ و ضمناً از یک اصول علمی برخوردار. وقتی که هیچ یک از اینها وجود ندارد من فکر می‌کنم که اثرات زیربنایی نخواهد داشت.

□ مجلس و پژوهش: جناب

آقای میروولد! از جمله هدفهای برنامه، اصل محدود کردن تشکیلات دولت بود. یکی از شاخصهایی که محدود کردن حجم دولت را علامت می‌دهد نسبت حجم مالی دولت به تولید ناخالص داخلی است. این رقم طی سالهای اخیر رشد کرده و در سال ۷۳ حدود ۲۲/۸ درصد بوده و در سال ۷۴ برآورد شده که به حدود ۲۷/۷ درصد می‌رسد. شما جهتگیریهای بودجه‌ای را در جهت تحقق هدف تحدید تشکیلات

سازندگی فلان شهر از بودجه فلان استان جدا می‌شود. اتفاقاً امسال هم تقاضاهایی وجود داشت که جلوی آنها را گرفتیم. من عرض می‌کنم برای نظام برنامه‌نویسی، ما یک اصولی داریم و تشکیلات مملکتی برای اینکه هماهنگ بشود بایستی از یک پیرینا برخوردار بشود که آن تقسیمات بودجه‌ای است که خود آن هم باید بر کالبد بودجه‌ای سرزمین مبتنی باشد که ما فاقد بودجه‌ای آنها هستیم و در برنامه هم متأسفانه پیش‌بینی نکردیم. یکی از ضعفهای برنامه پنجساله هم همین است. پس باید آن آمایش باشد و کالبد ملی و تقسیمات کشوری باشد و نظام بوروکراسی کشور بر این مبنا شکل گرفته باشد و چون این نظام بر این مبنا شکل نگرفته بنابراین اگر شما نظام بودجه‌ریزی را هم سامان ببخشید با توجه به فشاری که نظام اداری و یا تقسیمات کشوری وارد می‌سازد (علاوه بر فشارهای دیگری که قبلاً گفتم) در اجرا با مشکل مواجه خواهیم شد.

□ مجلس و پژوهش: مصوبات بودجه‌ای قوه مقننه در بسیاری از موارد به دو مسأله «اسم هزینه» و «مبلغ هزینه» ناظر است. مثلاً برای خدمات اداری مبلغ «الف» ریال برای تنظیم بازار کالاهای اساسی مبلغ «ب» ریال برای طرح تولید مثلاً «ج» هم مبلغ «د» ریال به تصویب می‌رسانند. با توجه به اینکه «اسم هزینه» که در بالا گفتیم فاقد مشخصات مقدراری است و به اصطلاح پیش‌بینی میزان کار قابل

مهندس می‌رولد مقدمه‌ای شد تا این بحث مهم را دنبال کنیم که نظام بودجه‌ریزی و نظام بوروکراسی در حقیقت دوروی یک سکه‌ای هستند به نام «مدیریت» که از یک طرف ساختار تشکیلاتی و اداری است و از طرف دیگر فعل و انفعالات و روابط مالی. با توجه به اینکه این دوروی پیوند عمیق و اثر متقابل بر هم دارند دارند آیا می‌شود یک رابطه تبیینی بین این دو نظام برقرار کرد یا نه و اصولاً آیا می‌شود جدای از عملکرد نظام بودجه‌ریزی به هدفهای اصلاح نظام اداری دست یافت؟

آقای مهندس رهبری: قبلاً خدمتتان عرض کردم که بعضی از دستگاهها یا نمایندگان با گرایشات عمومی عملاً کاری می‌کنند که تبصره‌ها زیاد می‌شود یا تناقضهایی به وجود می‌آید یا اینکه نظام بودجه‌ای ما به اشکال برمی‌خورد. مثلاً می‌خواهند یک جایی اداره کل داشته باشند یا بالعکس مستقل شود. برای این منظور از طریق تبصره‌های بودجه وارد می‌شوند در صورتیکه این مسأله باید در نظام بوروکراسی کشور به علاوه تقسیمات کشوری حل بشود و چون آنجا نتوانستند یا او را نمی‌پذیرند و یا می‌خواهند از او بگریزند می‌آیند از این طریق وارد می‌شوند و در واقع چون بالا نتوانستند حل بکنند از پایین حل می‌کنند. مثلاً چون نتوانستند فلان استان را ایجاد بکنند یکی یکی کد دستگاهها را تغییر می‌دهند و در تبصره می‌آورند که از این به بعد بودجه جهاد

انجام در برابر اعتبار تخصیص یافته
یا «مبلغ هزینه» مشخص نیست،
جناب آقای مهندس میرولد!
ارزشیابی خدمات بخش عمومی و
اتخاذ تصمیم نسبت به تناسب اعتبار
با حجم کار بر چه مبنایی انجام
می‌گیرد؟

آقای مهندس میرولد: وقتی مثلاً طرح
عمرانی مطرح می‌شود برای آن اهدافی،
زمانی برای اجرا و یک هزینه‌ای برای
پیاده‌سازی آن تعیین می‌شود. ما به دلایل
همان ساختاری که خدمتان عرض کردم
نوفاً فراموش می‌کنیم. اگر شما پیوسته‌های
بودجه را ملاحظه کنید در سالهای گذشته در
پیوسته‌های عمرانی مثلاً سال پایان فلان طرح
را ۷۱ قرار دادیم. دو سال قبل را اگر نگاه
کنید می‌بینید نوشتیم سال پایانی سال ۶۹.
البته این از ابتکارات کمیسیون برنامه و
بودجه مجلس بوده و کمیسیون در دوره قبل
عمل کرد که شاید دولت را موظف کند که
بالاخره طرح‌هایش را با این پولی که می‌گیرد
تمام کند. ما مواردی داشتیم که به دستگاه
اجرایی گفتیم شما چقدر پول می‌خواهید که
این طرح را سال آینده تمام کنید گفتند فلان
مقدار. من یاد می‌آید یک طرحی به اسم
«مرغ لاین» بود سالها مرتب بحث شد.
بالاخره ما گفتیم چقدر می‌خواهید که این را
تمام کنید. ما عیناً همان مقدار را گذاشتیم.
سال بعد دیدیم دستگاه اجرایی گفت که
نتوانسته تمام کنند. طولانی شدن انجام

طرح‌ها به طور طبیعی تورم‌زا است.
اکنون که طرح‌های نیمه‌تمام را مرور
می‌کنیم متوجه می‌شویم که این طرح‌ها از
عوامل جدی افزایش تورم هستند. چرا؟
چون ما پول ملت را تبدیل به سنگ و آجر و
گچ کرده‌ایم و در بیابانهای کشور ریخته‌ایم.
راه می‌سازیم نیمه تمام می‌ماند، اگر راه به
سرعت ساخته بشود وارد چرخه کشور
می‌شود و کمک می‌کند. مثلاً برای طرح‌های
تولیدی بنیاد مستضعفان، فلان شرکت آمد
طرح «پارچه استخوان‌بندی تأیر» را اجرا کند
که در خاورمیانه نمونه است و قرار بود چند
سال پیش به اتمام برسد اما هنوز این طرح
نیمه‌تمام مانده و در حقیقت پول ملت
تبدیل به مصالح ساختمانی شده است! ما
همان اشکال ساختاری را داریم می‌آیم
طرح‌هایی را شروع می‌کنیم. بدون اینکه
پایان آن را فکر کنیم البته ما خودمان هم در
مجلس مقصر هستیم. طی سالهای گذشته
نمونه‌ها داشتیم مثلاً هزینه پروژه راه‌سازی
از نقطه «الف» به نقطه «ب» ۲۰۰ میلیون
تومان می‌شد. بعد ما گفتیم ۱۰ میلیون هم
اضافه کنیم و تا نقطه «ج» برسد، مرتب به آن
اضافه می‌کردیم معلوم است که حجم پروژه
متورم می‌شود. بعداً هم روی دستگاه اجرایی
و وزیر مربوطه فشار می‌آوریم. این
«زخمی شدن‌ها» ولو با هدف مقدسی
صورت بگیرد در نهایت به ضرر اقتصاد
کشور است.

بنده معتقد به توسعه هستیم و کارهای

مهندس کاظم میرولد نماینده مردم ملایر و عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

* من خودم هنوز این سؤال برایم مطرح است که مگر نمی شود پالایشگاههای کوچک را به بخش غیر دولتی واگذار کرد یعنی هدف ما برای هدایت نقدینگی ۶ هزار میلیاردی در کجاست؟

* یکی دیگر از مشکلاتی که در بودجه سال ۷۴ همچنان لاینحل ماند بحث طرحهای نیمه تمام است. ما در مجلس گفتیم هیچ طرح جدیدی را برای سال آینده نمی پذیریم. یعنی مجلس در قبال پیشنهادهایی که از طرف نمایندگان محترم (که عمدتاً تحت تأثیر دستگاههای اجرایی) ارائه می شد مقاومت کرد و طرحهای جدید را پذیرفت اما معتقدیم که برای طرحهای نیمه تمام کشور به میزان کافی بودجه پیش بینی نمی شود لذا طولانی شدن زمان اتمام طرحها باز مشکلی است که در بودجه سال ۷۴ همچنان وجود دارد.

عمرانی ضرورت جدی برای کشور دارد اما معتقد نیستم که این چنین پولهای جمهوری اسلامی را در بیابانها بریزیم و خودمان هم که دستگاه اجرایی هستیم امیدوار باشیم که این طرح ده سال دیگر تمام می شود بنابراین طولانی تر شدن طرحها یکی از مشکلات جدی است و معتقدم که یک اراده جدی هم می خواهد.

البته این را عرض کنم که دستگاه اجرایی اگر اراده کند و فشار روی مجلس و کمیسیونها نیاورد بالاخره نمایندگان مردم قانع می شوند. بعضاً من شنیدم می گویند که اگر مجلس این کار را بکند دولت حتماً این کار را خواهد کرد. من معتقدم اگر به واقعیات نگاه بکنیم درمی یابیم اگر دستگاه اجرایی بخواهد مجلس هم می خواهد.

اگر دستگاه اجرایی مقاومت کند این انگیزه در مجلس هم ایجاد خواهد شد. لذا به نظر من این نکته مهمی است که جناب عالی به آن اشاره فرمودید. ما هم در برنامه دوم روی این مسأله تأکید کردیم. اما اینکه در مرحله اجرا چقدر موفق باشیم، تصویر خیلی امیدوار کننده ای نیست.

□ مجلس و پژوهش: جناب

آقای مهندس رهبری! جناب عالی در این خصوص چگونه می اندیشید؟

مهندس رهبری: اجازه بدهید اشاراتی که جناب عالی فرمودید دو قسمت کنیم یکی جاری و یکی هم عمرانی. در مورد عمرانی ها قبلاً یک موافقتنامه با سازمان برنامه و بودجه به انجام رسیده و در واقع یک روپوشی در آن وجود دارد که در آن

می‌خواهیم. اینها را آمدند جمع کردند و ارقام را گفته‌اند.

در همین رابطه ممکن است قسمتی جنبه جانبی پیدا کند ولی عمرانی باشد. مثلاً تجهیز بیمارستانهای جدید مشخص است که چه مقدار تخت و وسایل کار لازم است. ولی آن سیستم حسابداری صنعتی که اینها را بتواند در بیاورد، متأسفانه وجود ندارد. البته در برنامه پنجساله پیش‌بینی کردیم همان روندی که در شرکتهای دولتی آن حسابداری را انجام می‌دهید ولی در دستگاههای دولتی انجام نمی‌دهید برقرار بشود. البته مکانیزم خاصی برای آن طراحی نشده و اینجا هم دیده نمی‌شود. ولی حجم چنین کاری این نیست که کل بودجه را در بر بگیرد. امیدوارم توانسته باشم پرسش‌تان را پاسخ داده باشم ...

□ مجلس و پژوهش: با توجه به

نبود یک نهاد قانونی برای وضع مقررات شهری و نظارت در امور شهرداریها - اگرچه وزارت کشور مسئولیت مدیریت و تصویب بودجه و نظارت بر امور شهرداریها را بر عهده گرفته است - اما با در نظر گرفتن بودجه عظیمی که شهرداریهایی مثل تهران در اختیار دارند و تأثیری که مدیریت دخل و خرج این مجموعه می‌تواند در گذران اقتصاد مردم داشته باشد، آیا به نظر شما برای همسو کردن و کنترل‌های نسبی می‌توان شهرداریهایی مثل تهران را به عنوان

مشخص شده این کار با چه مبلغی که در درون خودش چند درصد آن ارز است طی چه زمانی و با چه مشخصاتی انجام بشود. در واقع رابطه بین حجم فیزیکی کار و حجم مالی کار بر اساس آن موافقتنامه مشخص است، البته من وارد آن نمی‌شوم که حالا این اتفاق می‌افتد یا نمی‌افتد که معمولاً اتفاق نمی‌افتد ولی مشخص است که چقدر حجم فیزیکی در چه زمانهایی با چه منابع مالی باید انجام بشود.

اما در مورد هزینه‌های جاری، یک بخش عمده آن مربوط به دستگاههاست. در مورد دستگاهها مشخص است که بر اساس ۲۰ ماده عمل می‌شود (که البته در سالهای اخیر بر اساس چهار فصل است). و معلوم است که چه بخشی و چه نسبتی از این بودجه جاری (که امسال ۲۷ هزار میلیارد ریال است) محل مصرفش کجاست؟ مثلاً حدود یک سوم آنرا مشخصاً داریم در فصل اول که مربوط به حقوق پرسنل است انجام می‌شود. یا در فصل چهارم معلوم است که این مبلغ صرف دیون می‌شود. ولی با آن دقتی نیست که در مورد کار عمرانی وجود دارد. مثلاً شما نوشتید که فلان ماده برای خرید خدمت است. برای اینکه چه مقدار خرید صرف می‌کنند با چه مبلغی و با چه بهره‌وری اینها مشخص نیست. به عبارت دیگر باید گفت که دستگاهها بر اساس نیازی که داشتند آمدند با شرایط قیمت‌هایی که وجود دارد گفتند این مقدار میل و صندلی

مؤسسات غیر انتفاعی وابسته به دولت تلقی کرد و بودجه آنها را در یک پیوست ویژه از قانون بودجه منظور کرد؟ بحث ما در اینجا «اطلاع» است نه بررسی.

مهندس رهبری: استحضار دارید مایک قانونی داشتیم که شهرداریها را جزو مؤسسات عمومی تلقی می کرد. قوانین قبلی شهرداری محکم و مشخص است که شورای شهر، شهردار را تعیین می کند و شهردار باید جوابگو باشد و آن زمانی که شورای شهر نداشته باشیم وزارت کشور به قائم مقامی از انجمن شهر مسئولیت آن را به عهده دارد و قانون جدیدی هم که به تصویب رسید، مسئول شورای شهر و قائم مقام شورای شهر، وزارت کشور خواهد بود (در شهرستانها استاندار و در تهران وزیر کشور).

شهرداری شهرستانهای کوچک که معمولاً با مشکل مواجه هستند اما بعضی از شهرداریها که شاید در مراکز استانها باشند. (که احتمالاً به آن صورت سود ده نیستند ولی کمک بگیر دولت هم نیستند و یا از یک طرف حجم بالا و گردش مالی زیاد دارند) مثل شهرداری تهران که در رأس آن قرار می گیرد. اما آیا این سخن در مورد سایر موارد مشابه نیست؟ آیا بودجه های بنیاد مستضعفان و ۱۵ خرداد و مجموعه شرکت های تحت پوشش بنیاد شهید و تأمین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی اینها چه می شود؟

یک نکته ای در این قضیه وجود دارد اگر

مهندس محمدهاشم رهبری
نماینده مردم تهران و عضو
کمیسیون برنامه و بودجه:

* شما تجربه گذشته را پیش رو دارید و می بینید دفترچه هایی که دست کارمندان بوده عملاً کارایی نداشته است و هنوز آن اقبال به بیمه وجود ندارد، اصلاً نمی دانم چگونه بیمارستانها اداره می شوند از یک طرف از مجلس بودجه می گیرند و از طرف دیگر مردم وضعیت بهتری را از نظر درمانی نسبت به گذشته ندارند من احساس می کنم که از این نظر با مشکل جدی مواجه خواهیم بود.

* این به معنای آن نیست که برنامه ریزان کشور اعم از مجلس و دولت از نظر شیوه و تفکر برنامه ریزی بدون عیب و نقص هستند می خواهم بگویم اگر آنها هم کار خودشان را کامل انجام بدهند پروسه و روند این کار به گونه ای است که یک اختلالاتی به وجود می آورد.

سراغ شهرداریها هم برویم «بررسی» کنیم البته نظر من این است که بسیاری از شرکتهای دولتی و همین شهرداریها، اکنون از نظامی که «سرمایه و بودجه» برای کارهای اجرایی و مناقصه‌ها دارد پیروی نمی‌کنند. این است که خود شرکتهای دولتی یا مؤسسات غیرانتفاعی و شهرداریها خودشان با همدیگر رقابت می‌کنند و این رقابتهای باعث می‌شود که قیمت تمام شده کالا و خدمات، افزایش پیدا بکند. ما دنبال این حرکت می‌گردیم که اگر یک نظام فنی و اجرایی در کشور هست همه از آن پیروی بکنند.

همچنین ما دنبال این هستیم که بودجه شهرداری کاملاً به خزانه برود و برگردد. همان طور که امسال در مورد شرکتهای دولتی انجام شد. به هر حال آنهایی که فعلاً هست یک سامانی بگیرد بعد سراغ شهرداریها هم برویم.

چه مقدار عوارض بایستی گرفته شود! **کتابخانه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی** □ **مجلس و پژوهش : جناب**

آقای میروالد جناب عالی در این

خصوص چگونه می‌اندیشید؟

آقای میروالد: شما در ابتدای سؤالیتان نکته بسیار مهمی را بیان کردید و آن اینکه بالاخره اقتصاد ما یک پیکر واحد است.

البته باید عرض کنم که بودجه شرکتهای هم یک مقوله جداگانه‌ای است و ما تاکنون نتوانستیم حتی به شرکتهای دولتی خودمان مسلط بشویم که دخل و خرجشان به معنای هدایتشان باشد، نه به معنای مهمیز زدن و توقف شرکتهای. منظورم این است که به هر

به آن برسیم فکر می‌کنم بعد مردمی خوبی خواهد داشت. و آن اینکه ما امروز بابت یک خدمت یا یک کالا عوارض مختلفی را از مردم می‌گیریم در صورتی که این با اصول مالیه عمومی مغایر است. شما برای یک کالا یا خدماتی که ارائه می‌دهید باید حقوقی برای دولت قائل باشید. الان معلوم نیست که چند سال است و چرا شهرداری به عناوین مختلف یک چیزی را می‌گیرد. تأمین اجتماعی چیز دیگری می‌گیرد. مالیات یک چیز دیگری می‌گیرد، قوانین و تبصره‌های بودجه‌ای که داریم یک چیز دیگری می‌گیرند. مثلاً شما سیمان می‌خرید می‌بینید که چندین مبلغ در آن صورتحساب نوشته شده: خرید یک تن سیمان از کارخانه مثلاً ۲۸۷۵ تومان، بابت «احداث صنعت» ۵۰۰ تومان، یک درصد بابت شهرداری و یک درصد بابت آموزش و پرورش. اینقدر تعداد اینها زیاد است که معلوم نیست از یک کالا چه مقدار عوارض بایستی گرفته شود! ولی اینکه بودجه شهرداری را هم در یک پیوست جداگانه‌ای «بررسی» کنیم تقاضایم این است که اول به بودجه دولت و دوم به شرکتهای دولتی رسیدگی بکنیم و اصلاً تعریف حقوقی که از شرکتهای دولتی داریم خود آن‌هم جای بحث دارد حداقل آن تعداد که در قسمت هشتم قانون بودجه می‌آید آنها را درست بررسی بکنیم.

اگر فرصتی وجود داشت که ما همه اینها را بررسی بکنیم اشکالی ندارد که آن موقع

مهندس محمدهاشم رهبری:
 * من به یک تبصره‌ای که امسال تصویب شد اشاره می‌کنم که به وزارت مسکن مربوط می‌شود و عملاً برای پنجسال آینده کشور تعیین تکلیف کرده است و متأسفانه شورای نگهبان علیرغم اینکه در بقیه موارد گفته است که بودجه طبق اصل ۵۳، سالانه است به این بحث نپرداخته است. در صورتی که اگر قرار بود وزارت مسکن سیر قانونی آن را طی بکند یکسال و اندی زمان لازم داشت.

مهندس کاظم میرولد:

* اکنون که طرح‌های نیمه‌تمام را مرور می‌کنیم متوجه می‌شویم که این طرح‌ها از عوامل جدی افزایش تورم هستند. چرا؟ چون ما پول ملت را تبدیل به سنگ و آجر و گچ کرده‌ایم و در بیابانهای کشور ریخته‌ایم. راه می‌سازیم نیمه‌تمام می‌ماند، اگر راه به سرعت ساخته بشود، وارد چرخه کشور می‌شود و کمک می‌کند.

حال گردش مالی یک شرکت و نهادی که خارج از بودجه عمومی است در اقتصاد کشور مؤثر است. فرض بفرمایید یک شهرداری برای اینکه کارش به سرعت انجام بشود ۲۰۰ درصد «پلوس» می‌دهد. این به طور طبیعی یک موجی را در پیمانکاران کشور ایجاد می‌کند و سایر پیمانکاران هم که می‌خواهند با دستگاههای دولتی قرار داد امضا کنند می‌گویند فلان پیمانکار ۲۰۰ درصد پلوس گرفته است. فلان شهرداری که به نوعی عمومی است می‌گوید: من دخل و خرج خودم را دارم و به خاطر اینکه خرجم تمام بشود این کار را می‌کنم. شاید اگر به دقت نگاه کنیم حرفش درست باشد. اما وارد کلان اقتصاد که می‌شویم می‌بینیم که یک لطمه‌ای به اقتصاد کشور خورده است. چون کلی فهرست بها باید تغییر کند یا به طور کلی یک رسمی باشد بین قراردادهایی که ما با پیمانکاران داریم.

بنده هم معتقدم که اگر یک راه حلی پیدا کنیم و طوری باشد که موجب دست اندازی ما در مجلس هم نباشد (چون ما یک طبیعی در مجلس داریم که هر جا پولی می‌بینیم دست اندازی می‌کنیم و اهداف آن مؤسسه را با خطر رو به رو می‌کند. ما یک نیت مقدسی هم ممکن است داشته باشیم و بگوییم از این ۶۰۰ میلیارد بودجه شهرداری تهران مثلاً ۱۰ میلیارد را به آموزش و پرورش بدهیم اما ممکن است با اهداف شهرداری در تعارض قرار بگیرد) به لحاظ حفظ جنبه نگرش یکپارچه به کلیت اقتصاد کشور، کار مفیدی می‌تواند باشد.

باشد که یک منطقه‌ای را جزو سایت تجاری بیاورند. تا در آنجا واحدی ایجاد بشود و یک بخش آن را به شهرداری بدهند و یک بخش را به آن نهاد. یک مرتبه می‌بینیم حجم هنگفتی از پول در اینجا حرکت عظیم خارج از منطق کل اقتصاد کشور می‌کند. چیزی شبیه «رانت» اتفاق می‌افتد و این برای اقتصاد کشور مفید نیست. یکی از دوستان با من مشورت می‌کرد. او را تشویق می‌کردم که چون مهندس ساختمان هستی اگر می‌خواهی نان حلال بخوری برو ساختمان تولید بکن. ایشان برای من استدلال می‌کرد که ساختمان‌سازی که یک کار تولیدی است در مقایسه با سایر فعالیتها صرف نمی‌کند. در حقیقت هیچ گرایش و تمایلی بخش غیر تولیدی احساس نمی‌کند که سرمایه‌گذاری کند خیلی محدود است. آن کسی هم که حالا می‌آید سرمایه‌گذاری می‌کند از همان روز اول به فکر این «رانت» هاست. اینها آثار خودش را بر کلیت اقتصاد می‌گذارد. بنابراین به گمان من باید کوشش کنیم که «برنامه» بر کل کشور حاکم باشد و همه موظف باشیم که تبعیت کنیم. انشاءالله.

□ مجلس و پژوهش: از فرصتی که در اختیار مان گذاشتید سپاسگزاریم. با آرزوی دیدارهای آتی.

□ □ □

به هر حال بنده امیدوارم بتوان یک روشی را پیدا کرد که حداقل، گردش اقتصادی شهرداریها و سایر مؤسسات عمومی را با برنامه همجهت سازیم. برنامه‌ای که ما نوشتیم برای کل اقتصاد کشور است. چون از یک طرف دولت مجری برنامه است ولی از طرف دیگر به خاطر محدودیتهایی که در کشورمان داریم نوعاً اگر دولت خیلی هنر کند اهداف خاص همان دستگاه دولتی را پیاده کند. حال آنکه در ذهن ما این است که کل اقتصاد کشور را به سمت صحیح و درستی پیش ببریم و از آن قسمت که مربوط به غیر دولت است غافل می‌شویم شاید اگر تحلیل را مقداری دقیقتر جلو بیاوریم و آمار و ارقامی ارائه کنیم ما از این جهت هم خیلی آسیب دیدیم. برخی عدم موفقیت‌های برنامه اول که در سیاستهای پولی داشتیم ناشی از ناهمگونی کل کشور با برنامه بود. الان دستگاههای دولتی که گزارش می‌دهند به نظر می‌آید عموماً برنامه را عمل کردند، اما کل کشور را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که آن سمت و سو را نداشته است. یعنی این راندمانی که در کشور ایجاد شده چیزی بوده که به هر حال مورد نظر برنامه نویسها نبوده اما در عمل اتفاق افتاده است به خاطر اینکه یک امتیازی را گرفتیم و به یک جایی دادیم، نگاه می‌کنیم که امتیاز دهنده دولت نیست. مثلاً ممکن است شهرداری باشد یا در حقیقت توافقی بین یک نهاد و شهرداری